



دکتر سیده جلیله هاشمیانپژوهشگر دینی

بزرگ‌ترین سه‌ساله تاریخ

واقعهٔ کربلا و قیام عاشورا از رویدادهای عظیم تاریخ اسلام است که نقش بسیار مهمی در احیای دین اسلام و توسعهٔ آن در همه اعصار و در سراسر عالم داشته و آثار تبلیغی و تربیتی آن با گذشت زمان نیز بیشتر شده است. یکی از چهره‌های ماندگار و نقش آفرین قیام عاشورا، حضرت رقیه^(س)، دختر سه ساله امام حسین^(ع)، است. او که تربیت یافتهٔ مکتب اهل بیت^(ع) است با صبر، خویشتن داری، فرصت شناسی، ایثار، عطوفت دخترانه و کلام شیرین خود توانست حقانیت لشکر اباعبدل...^(ع) را به تصویر کشیده و چهرهٔ خبیث و ظالمانهٔ یزید و سپاهیان‌ش را تا حد زیادی رسوا سازد. در کتاب المناقب از لحظه رویارویی حضرت رقیه^(س) در آخرین دیدارهای خود با پدرش چنین نقل شده است: حضرت سکینه در روز عاشورا به‌خواهر سه ساله‌ای که به احتمال قوی همان حضرت رقیه باشد، گفت: «بیا دامن پدر را بگیریم و نگذاریم برود و کشته شود.» امام حسین^(ع) با شنیدن این سخن بسیار اشک ریخت و آن گاه رقیه صدا زد: «بابا! مانعت نمی شوم. صبر کن تا تو را ببینم!» این کلام مهربانانه و درعین حال جان‌سوز حضرت رقیه^(س) با وجود سن کم، حاکمی از صبر و خویشتن داری و معرفت اوست. امام حسین^(ع) او را در آغوش گرفت و او را بوسید.

در این هنگام آن نازدانه ندا داد: پدر! بسیار تشنه‌ام. شدت تشنگی جگرم را آتش زده است. در آخرین دیدار امام حسین^(ع) با حضرت رقیه^(س) که لحظهٔ وداع ایشان بود نیز چنین نقل شده است: یکی از سربازان دشمن می‌گوید: من پیشاپیش صف ایستاده بودم. دیدم امام حسین^(ع) پس از وداع با اهل بیت خود به سوی میدان می‌آید. در این هنگام ناگاه چشمم به دختری افتاد که از خیمه بیرون آمد و با گام‌های لرزان، دوان دوان به دنبال امام حسین^(ع) شتافت و خود را به آن حضرت رسانید. آنگاه دامن پدر را گرفت و صدا زد: ای پدر! به من بنگر، من تشنه‌ام. طبق روایت شنیدن این سخنان جان‌سوز از کودکی تشنه‌ام توسط پدر، بسیار جانکاه بود و اشک را از دیدگان امام حسین^(ع) جاری ساخت.

در حقیقت این ابراز نیاز شدید دختری خردسال به آب در عین خضوع و آرامش و متانتش در پیشگاه پدر سبب درک مظلومیت ایشان و ظلم بی‌رحمانهٔ سپاه یزید بود که بر همگان روشن‌تر شد. در کتاب شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار آمده است: عصر عاشورا که دشمنان برای غارت به خیمه‌ها ریختند، در درون خیمه‌ها بیست و سه کودک از اهل بیت را یافتند.

آنان به عمر سعد گزارش دادند که کودکان بر اثر اثر تشنگی در خطر مرگ هستند. عمر سعد اجازه داد به آن‌ها آب بدهند. وقتی نوبت به حضرت رقیه رسید، ظرف آب را گرفت و دوان دوان به‌سوی قتلگاه حرکت کرد. یکی از سپاهیان دشمن پرسید: کجا می‌روی؟ فرمود: پدرم تشنه بود. می‌خواهم او را لب پیدا کنم و برایش آب ببرم، او گفت: آب را خودت بخور، پدرت را با لب تشنه شهید کردند! حضرت رقیه در حالی که گریه می‌کرد فرمود: «پس من هم آب نمی‌آشامم.» این ابراز همدردی با پدر از دختری خردسال بیانگر اوج معرفت و ایثار اوست که با وجود تشنگی جانکاهش این چنین اعتراض خود و مظلومیت پدر را به‌گوش خلق می‌رساند. در خرابهٔ شام نیز وقتی با گریه سراغ پدرش رامی‌گرفت به‌دستور یزید سر مقدس امام حسین^(ع) را برایش بردند و او که تازه متوجه شهادت پدر خود شده بود سر پدر را برداشت و بغل کرد و شروع به‌سخن گفتن با سر پدر کرد.

او پدر را بوسید و به شدت می‌گریست تا اینکه از شدت گریه بی‌هوش و بی‌جان بر زمین افتاد. دیگر کسی ناله‌های شبانه رقیه را در فراق پدر نشنید. اهل بیت با دیدن این واقعه به شدت متأثر شدند و ناله سر دادند. گویند در این روز تمام اهل دمشق نیز گریان بودند.

حضرت رقیه^(س) با فرصت شناسی خود زمانی که با سر پدرش در ددل می‌کرد باز هم سبب رساندن ندای مظلومیت اباعبدل...^(ع) به گوش همگان بود و شهادتش نیز این ابلاغ و روشننگری‌اش را به کمال رساند.

وای از شام... وای از شام

قبرستان «باب الصغیر»



سالروز شهادت دردانه اهل بیت است و در شام به تماشای می‌رویم که اسیران خاندان امام و پیشوای مان حسین^(ع) را در این شهر برای تماشا گردانده بودند. وای بر آن چشم‌ها که ایشان را دیدند ...

در قسمتی از شام قدیم که اکنون در دمشق قرار دارد، قبرستانی قدیمی است به نام «باب الصغیر، این خاک در خودش بدن‌های مطهر زیادی نگه‌داشته است. از بدن‌های مطهر ائمه و خاندان ایشان گرفته تا سرهای شهدای کربلا! بعد از طی مسیری طولانی و روزها و شب‌ها بر سر نیزه بودن سرهای مطهر، شهدای کربلا را در باب الصغیر دفن کردند. در کنار باب الصغیر، زیارتگاه مدفن سرهای ۱۶ تن از شهدای کربلا قرار دارد که اسامی آن‌ها بدین شرح است: عباس، عبا...، محمد، جعفر، عثمان و عمر فرزندان امام علی^(ع)، علی اکبر و عبا... فرزندان امام حسین^(ع)، قاسم بن حسن، جعفر بن عقیل، محمد بن مسلم بن عقیل، عون بن عبا... بن جعفر، حبیب بن مظاهر، عبا... بن عقیل، عبا... بن عوف و حر بن یزید اما سید محسن امین با استناد به کتیبه‌ای که پس از سال ۱۳۲۱ق در این زیارتگاه دیده‌است که در آن تنها نام سه تن از شهدای کربلا برده شده بود، اینجا را مدفن سرهای سه تن از شهدای کربلا، یعنی حضرت عباس، علی اکبر و حبیب بن مظاهر دانسته است. زیارتگاه سرهای شهدا دارای صحن مستقل و از محوطه قبرستان کاملاً جداست. بنا در میان صحن قرار دارد و بر روی قبر، ضریحی نقره‌ای نصب شده است. در داخل ضریح، شانزده عمالمه پارچه‌ای به‌شانه شانزده سر شهدای کربلا وجود دارد. ضلع شرقی صحن، متصل به صحن مسجد نسبتاً جدیدی است که در شبستان آن محرابی منتسب به امام زین‌العابدین^(ع) وجود دارد. در داخل صحن نیز چاه آبی وجود دارد که به‌باور زائران، با آب آن سرهای شهدای کربلا شست‌وشو داده شده است.

همچنین در نزدیکی محل دفن سرهای شهدا، مسجد امام زین‌العابدین، قدیمی‌ترین مسجد دمشق، قرار دارد که اسیران کربلا در آن اقامت داشتند.

منابع:

حسینی جلالی، مزارت اهل البیت و تاریخ‌ها، ۱۴۱۵ق، ص۲۲۶.

فهری، مراقد اهل البیت، ۱۴۲۸ق، ص۳۹-۴۰

خامه‌یار، زیارتگاه‌های اهل بیت و اصحاب‌ائمه^(ع) در سوریه، ۱۳۹۰، ص ۷۸-۱۲۶

شهرآرا

۱۴



مهرگان

او کسی است که از آسمان، آبی فرستاد، که نوشیدن شما از آن است و (همچنین) گیاهان و درختانی که حیوانات خود را در آن به چرا می‌برید، نیز از آن است.



سوره نحل آیه ۱۰ ترجمه آیت... مکارم شیرازی



حدیث

ایمان دو نیمه دارد، نیمی از آن در صبر است، و نیمی از آن در شکر نهفته است.

پیامبر اعظم^(ص) نهج القضاحه ۱۰۷۰

گفت‌وگوی شهرآرا با آیت‌ا... مروجی‌طبسی به‌مناسبت شهادت حضرت رقیه (س)

رقیه بنت‌الحسین (ع)سند مظلومیتی که باید حفظ شود



طرح: علی مصعوینیکاشهرآرا

مستندات، کسانی که تلاش بر این نفی دارند، کار به جایی نمی‌برند. ثانیاً دلیل محکمی برای مدعای خود ندارند. ثالثاً، تلاش بر نفی، خدمت به مذهب و تشیع نیست، بلکه سبب می‌شود سنگر مهم تشیع که در قلب حکومت امویان قرار داشته و دارد، از دست برود! وقتی تخریب یک سنگر برای دشمنان اهل‌بیت^(ع) مهم است چرا ما اهتمام به تضعیف آن سنگر کنیم؟! ● علمای قدیم درباره وجود حضرت رقیه^(س) چه تصریحاتی دارند؟

در ارتباط با فرزندان حضرت سیدالشهدا^(ع) بین قدا م اختلاف نظر وجود دارد، برخی گفته‌اند مجموعاً شش تن بوده‌اند چهار پسر و دو دختر. برخی گفته‌اند ۹تن بودند شش پسر و سه دختر. برخی نیز قائل به ۱۰فرزند هستند شش پسر و چهار دختر. کمال‌الدین شافعی متوفی ۶۵۲ هجری در کتاب «مطالب السوول فی مناقب آل الرسول^(ص)، برای امام حسین^(ع) ۱۰فرزند، شش پسر و چهار دختر ذکر می‌کند.

ایشان وقتی به‌اسامی دختران امام^(ع) می‌رسد سه دختر به‌نام‌های زینب، سکینه و فاطمه را نام می‌برد و نام دختر چهارم را نمی‌گوید؛ باید درباره نفر چهارم تحقیق کرد. ابن‌فندق بیهقی صاحب کتاب «لباب الانساب، از علما و نسب‌شناسان قرن ششم می‌گوید: تعدادی از فرزندان امام حسین^(ع) در کربلا به‌شهادت رسیدند، اما چهار تن به‌نام‌های زین‌العابدین^(ع)، فاطمه، سکینه و رقیه^(س) زنده ماندند. اودر جای دیگری از کتاب خود می‌نویسد: دختران امام حسین^(ع) چهار نفر بودند: فاطمه، سکینه، زینب (در کوچکی فوت شد) و امّ کلثوم (در خردسالی درگذشت.) از این دو مطلب استفاده می‌شود که احتمال حضرت امّ کلثوم، کُتبه حضرت رقیه^(س) است، چون در مطلب اول به‌وجود ایشان تصریح کرده بود.

● ماجرای خرابه‌شام و شرح تفصیلی شهادت حضرت رقیه^(س) چگونه و در چه منابعی بیان شده‌است؟ تفصیل ماجرای خرابه شام را عمادالدین طبری در کتاب، کامل‌بهایی، نقل می‌کند، وی از بزرگان و قدماست. آقا بزرگ تهرانی و مرحوم شیخ عباس قمی او را شخصی عالم، ماهر، آگاه، متکلم و محدث دانسته و از معاصران خواجه نصیرالدین طوسی معرفی کرده‌اند. وی ماجرا را از کتاب «الحاویه فی مطالب معاویه، نقل می‌کند. اسمی از حضرت رقیه^(س) نمی‌برد، اما ماجرای شهادت یکی از دختران سیدالشهدا^(ع) در خرابه‌شام را بیان می‌کند که چطور با دیدن سر مطهر پدر بیمار شد و از دنیا رفت. این قضایا که در قرون شش و هفت یعنی ۸۰۰سال قبل ثبت شده‌و شهرت یافته‌است، نیاز به‌ادله بیشتر در این باره را برطرف می‌کند.



مرقد حضرت رقیه(س)
در شام سند مظلومیت اهل‌بیت(ع) است تا فردا نگویند ما اسیر نبردیم و جسارت نکردیم؛ این بقعه سند قتل، جسارت و اسارت است!

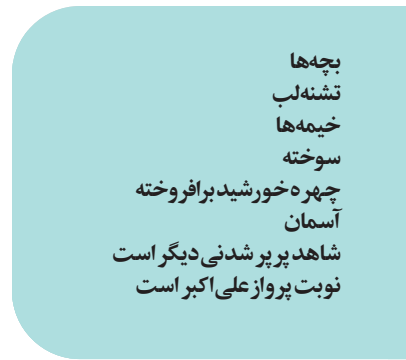
نقلی که در کتاب‌های تاریخ و مقاتل آمده امام حسین^(ع) دختر کوچکی داشته‌اند و بارگاه ایشان در شام است با این شهرت حاصل و با توجه به اینکه مشاهد متبرکه نزد ما احترام دارند، این بقعه نیز چنین است و قرائن نیز همین را می‌گوید و جای انکار نیست.

آیت‌ا... وحید خراسانی نیز شعری درباره حضرت رقیه^(س) سروده است و اصل مطلب را مسلم می‌داند.

مرحوم آیت‌ا... خوشوقت نیز از نسبت دادن انکار حضرت رقیه^(س) به خود، ناراحت شده و فرموده بود: من در روز قیامت خصم این‌ها هستم و یتفه این افراد را خواهم گرفت.

در دمشق نزد من از مسلمات است. ۵۰سال است این دختر از خاندان حضرت^(ع) است و قبر کنونی در مسجد، عزای حضرت رقیه^(س) را برپا می‌کنم و مصائبش را می‌خوانم.

این تصریحات و تأکیدات، هم‌باور به‌وجود ایشان و هم‌تعلق با رگاه کنونی به آن حضرت را نشان می‌دهد.



بچه‌ها تشنه‌لب خیمه‌ها سوخته چهره‌خورشید برافر و خته آسمان شاهد پر پر شدنی دیگر است نوبت پرواز علی اکبر است



می‌رسند. ایشان در هنگام بیان ماجرای شهادت حضرت رقیه^(س) می‌فرمایند: «اما مصیبت وفات رقیه در خرابه‌شام، کمرم راخم کرد و مویم را سفید کرد.»

● علما و مراجع معاصر درباره وجود مقدس حضرت رقیه^(س) و مرقد منتسب به ایشان چه دیدگاهی دارند؟ از علمای معاصر آیت‌ا... نوری همدانی در پاسخ استفتائی به این مضمون که پرسیدند: «آیا نذر برای حضرت رقیه^(س) جایز است و مرقد دمشق متعلق به ایشان است؟، می‌فرماید: بله! در مصادر مهم مثل «نفس المهموم» و «کامل‌بهایی» آمده دختری خردسال به‌نام رقیه^(س) به‌شهادت رسید پس نذر برای ایشان جایز است و باید ادا شود.

آیت‌ا... مکارم شیرازی می‌فرماید: شکی نیست که امام حسین^(ع) دختری کوچک داشتند که در شام به‌شهادت رسید و همان‌جا دفن شد و ضریح کنونی متعلق به ایشان است. آیت‌ا... سیدمحمد شاه‌رودی نیز می‌گوید: سیره متدینین در تشرّف به زیارت حضرت رقیه^(س) برای ما وثوق و اطمینان ایجاد می‌کند که دختر امام حسین^(ع) به‌نام رقیه^(س) وجود داشته و در شام دفن شده است.

مرحوم آیت‌ا... صافی گلپایگانی می‌فرمود: طبق

کتاب یک دختر بی‌گوشواره را شاهین رهنما نوشته و ملیحه احمدی، تصویرگر آن است. نویسنده با عنوان‌های: «تکرار خورشید»، «تشنه‌تر»، «پرواز اول»، «شرم»، «دختر ماه»، «روی‌نیزه» و... اشعاری در ارتباط با شهدای قیام کربلا را روایت می‌کند. اگر می‌خواهید فرزندان شما با واقعه عاشورا و رویدادهای آن در قالب ادب

یک دختر بی‌گوشواره



بردار و بخوان

امانتی که در شام ماند...

روایت صوری و شهادت حضرت رقیه(س)
در بیانات امام حسین(ع) و حضرت زینب(س)

تاب کوه، تمام می‌شود ... سیدابن طاووس در صفحه ۱۱۴ کتاب لهوف، سخنی از امام حسین^(ع) نقل کرده است که فرموده‌اند: «یا آخ‌آه، یام کلثوم و آنت یا زینب و آنت یا زُقیّه و آنت یا فاطمه و آنت یا زباب! أنظرُنْ إذا أنا قُتِلْتُ فلا تشقّقنْ علّیْ خبیبا و لا تخشّفنْ علّیْ و جهّا و لا تغلّنْ علّیْ هجرا؛ خواه‌رم، ام‌کلثوم و توای زینب! توای رقیه و فاطمه و باب! سخنم را در نظر دارید! و به‌یاد داشته باشید! هنگامی که من کشته شدم، برای من گریبان چاک زنید و صورت‌نخراشید و سخنی ناروا مگویید.»

کوه، نماد استواری،

مقاومت و صبر در ادبیات فارسی است. اما همین کوه

یک جایی توانش تمام می‌شود.

سنگ‌هایش سنگ‌ریزه و قله‌و سنگ

شده و فرو می‌ریزند. در فردی بسیار

مقاوم و صبور باشد، می‌گویند؛ او مثل

کوه محکم است. جای این‌واو، بگذارد

یک دختر سه یا چهار ساله. قهرمان

زندگی یک دختر، پدرش است. پدری

که‌گره تمام مشکلات سخت دنیای

دخترش را بیا یک‌لیخن‌د باز می‌کند. پدر

اگر حسین^(ع) باشد و دختر اگر رقیه^(س)،